

یادداشت

آثار تغییرنرخ سود بانکی بر بازارهای موازی



مستوره اشراقی پژوهشگر اقتصادی

● آخرین روزهای بهار نود و پنج را در حالی سپری می‌کنیم که رکود اقتصادی تا اندازه‌ای عمیق شده که به شکل‌گیری ادبیات جدیدی در رسانه‌ها و حوزه اقتصاد منجر شده است و گفت‌وگوهای پیش‌رو بیش از آنکه کمک‌کننده باشند، دست‌پاچه و مضطرب به نظر می‌رسند. فارغ از هر راهکار و راه‌حلی، آنچه در این مقطع زمانی بسیار تعیین‌کننده و ضروری به نظر می‌رسد، توجه به بحث مفصل انتظارات مردم در موضع مصرف‌کننده، تولیدکننده یا هر یک از عوامل دیگر اقتصادی است که این اما و اگرهای مطبوعاتی، اثر بسیار مخربی بر فعالیت‌های آتی آنها می‌گذارد.

اینکه قرن بیست‌ویکم است و عصر اطلاعات و مردم به‌روز شده‌اند و از همه‌چیز مطلع هستند، بر هیچ صاحب اندیشه‌ای پوشیده نیست؛ اما بزرگ‌نمایی معضلی چون رکود، راه رفتن بر لبه تیغ است.

روزانه هزاران سطر درباره رکود و بی‌کاری و تعطیلی کارخانه‌ها و کارگران بی‌مزد می‌نویسیم، غافل از اینکه نقل این اخبار با ذهن و فکر جامعه چه می‌کند؟ هیچ به این اندیشیده‌ایم وقتی هر روز اعلام می‌کنیم آمر خرید و فروش مسکن پایین آمده است و قیمت‌ها نزولی شده‌اند و خانه‌های خالی، روی دست عرضه‌کننده مانده است، چطور ممکن است عرضه‌کننده‌ای با پیش بگذارد و به تولید جدید بپردازد؟

چطور قرار است وام ۸۰ میلیونی، به داد خانه‌اولی‌هایی برسد که احتمالا همان کارگرانی هستند که ماه‌هاست بی‌مزد مانده‌اند؟ این‌گونه است که پخش خبر تعطیلی کارخانه آرج، چنان لِرزه‌ای بر بدنه تولید کشور می‌اندازد که تا ساعات‌ها گفت‌وگوهای خبری و رسانه‌ها را از آن خود می‌کند. از آنجا که بحث انتظارات بر هیچ‌یک از دست‌اندرکاران اقتصاد پوشیده نیست، گرافه نمی‌گوییم؛ برای آن که می‌شنود اشاره‌ای کافی است.

اما بهانه اصلی این نوشتار، بحث پدامنه سود بانکی است که این روزها پی‌درپی مطرح می‌شود. مطلب بسیار ساده است؛ پول‌های سرگردان برای آرام‌گرفتن و سامان‌شدن در بهترین حالت چند راه بیشتر ندارند؛ یا روانه بانک‌ها می‌شوند و به سودهای ثابت و بی‌دردسر اتکنا می‌کنند، یا سر از بازار ارز و طلا در می‌آوردند یا به سمت بورس و بازار سرمایه می‌روند و در نهایت ممکن است به تولید در حوزه صنعت یا ساخت‌وساز و مسکن بپیوندند.

نمونه‌اش در ادبیات پول و بانک و در راستای معرفی گردش پول، مفهومی است تحت عنوان «پول داغ» که به شرایطی اطلاق می‌شود که سرمایه برای رسیدن به سود کوتاه‌مدت بیشتر، به‌سرعت از بازاری به بازار دیگر منتقل می‌شود و اینجاست که سود بانک‌ها می‌توانند با هم رقابت کنند. ممکن است حتی سرمایه‌ها برای کسب سود بیشتر از بانک‌های آمریکا به سمت بانک‌های چین روانه شوند.

چاره چیست؟ نخستین راه‌حلی که ارائه می‌شود، کاهش سود بانکی است با این مدعا که در صورت این تغییر سرمایه‌ها به سمت بازارهای دیگر می‌روند.

اما آیا تنها مشکل تولید، سود مورد انتظار است یا اساسا تولید، امنیت لازم را ندارد؟ به فرض اینکه سرمایه‌ای موجود باشد، بازار بی‌ثباتی که با تغییر قیمت نفت، آینده‌اش را از دست می‌دهد و دلار قرار است سود مورد انتظارش را رقم بزند تا چه قابل اتکانش؟

من تولیدکننده یا با همه مشکلات به تولید ادامه می‌دهم چه تضمینی وجود دارد پایان خرداد، مالیات، تمامی رمق باقی‌مانده سرمایه‌ام را نگیرم، معافیت مالیاتی تولیدکنندگان تا چه حد مشکلات اقتصادی بنگاه‌ها را پوشش می‌دهد؟ وقتی تولید بحرانی است و اوضاع ب‌جام نامعلوم است، اوضاع بورس تحلیل است.

سرمایه‌ها وارد حوزه تولید و بورس نمی‌شوند به‌هزارویک دلیل که اتفاقا سود مورد انتظار در رتبه‌های نخست نیست. سرمایه‌ها به سمت ارز و طلا نمی‌روند همان‌طورکه در پی سفته‌بازی در بازار مسکن نیستند، چون بازارها بی‌ثبات و تحت‌تأثیر نوسانات یکدیگرند و همه اینها یعنی رکود.

در چنین شرایطی، همگان با کاهش سود و شاید بیش از آن، باید آرامش و امنیت را به بازار تزریق کرد و دوباره اعتماد مردم را جلب کرد. نباید از یاد ببریم اعتماد راحت از دست می‌رود و سخت به دست می‌آید.

با همه این دلایل، حالا که دست اقتصاد برای همگان رو شده گمان نمی‌کنم کاهش سود بانکی، تأثیر کوتاه‌مدتی بر رفتار مردم داشته باشد؛ هرچند با کاهش سود، بانک‌ها به وظایف اصلی‌شان بیشتر عمل خواهند کرد که آن هم در جای خود نیازمند تحلیل و بررسی است.

نایب رئیس انجمن بهره‌وری در گفت‌وگو با «شرق» از نفتی‌شدن اقتصاد ایران انتقاد کرد

اجماع برای نجات بدهای اقتصاد



تشبیه کنیم که برای تشخیص بیماری خود به پزشک مراجعه می‌کند. پزشک هم از روی علائمی مانند دمای بدن، رنگ زبان و ضربان قلب تشخیص می‌دهد که آیا مراجعه‌کننده بیمار است یا سالم. اما با تکیه بر این پارامترها نمی‌تواند علت بیماری را تشخیص دهد. این سه عدد، اعدادی است که براساس آن عارضه‌یابی صورت می‌گیرد. اقتصاددانان هم با توجه به تخصصشان تشخیص می‌دهند که اقتصاد بیمار است یا نه. بهره‌وری در کشور از متوسط دنیا کمتر است. این امر به معنای این است که اقتصاد ما بیمار است. آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد شاخص بهره‌وری در اقتصاد ما در ۵۰ سال گذشته هیچ تغییری نداشته است. این به معنای این است که اگر نرخ تورم را از ارزش‌افزوده اقتصاد خارج کنیم، سرانه‌ای که هر ایرانی تولید می‌کند با ۵۰ سال پیش یکی است. اگر راهی را که قبلا پیموده‌اید دوباره طی کنید، به همان جایی می‌رسید که قبلا رسیده‌اید. این قرار بود که مالیات بر مصرف باشد اما در عمل این قانون، به مالیات بر تولید تبدیل شد. متأسفانه در کشور ما مدلی داریم که در آن خوب‌ها (بخش شفاف اقتصاد) تنبیه و بدها (بخش غیرشفاف، دالال‌ها و واسطه‌ها) تشویق می‌شوند. همواره حمایت‌ها، یارانه‌ها و گفت‌وگوها در بخش خصوصی، مجلس، دولت و... برای نجات بدهاست. هیچ کمیت‌های برای محاسبه در فعال اقتصادی که وام‌های را پس داده، مالیات‌هایش را به‌موقع داده، صادراتش را انجام داده، عوارض گمرکی‌اش را پرداخت کرده، عاقلانه و اقتصادی رشد کرده و بالنده شده، در کشور وجود ندارد. ولی ما شاءالله کمیته حمایت از بدهکاران و مالیات‌داده‌ها و وام‌داده‌ها توسط و بخشودگی در کشور وجود دارد. به نظر من دولت مالیات بخش‌های شناسنامه‌دار را کاهش و مالیات بخش‌هایی را که تاکنون مالیاتی پرداخت نکرده‌اند، افزایش دهد.

مالیات نهاد‌های عمومی و وابسته نیز باید بیشتر موردتوجه قرار گیرد. **کارگروهیام اقتصاد ایران را در یک مشخصه بارز خلاصه کنیم، آن مشخصه بی‌شک «بهره‌وری پایین» است. اما سؤال اینجاست که چرا بهره‌وری در کشوری که از مزیت‌ها و منابع فوق‌العاده‌ای برخوردار است، تا این اندازه پایین است. به‌طوری‌که کارنامه بهره‌وری در کشور نشان می‌دهد به غیر از سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ که رشد اقتصادی کشور منفی بود، رشد بهره‌وری به‌طور متوسط در ۱۵ سال حدود یک درصد بوده است. آیا تحقیقی درباره چرایی این مسئله صورت گرفته است؟** در اتاق بازرگانی در یکی از کمیسیون‌ها به موضوع رقابت و رقابت‌پذیری پرداخته شده است. شاخص رقابت‌پذیری یک نتیجه دارد و یک ایجادکننده. ایجادکننده این شاخص، کیفیت و نتیجه آن بهره‌وری است. اما اینکه دلیل این مشکل چیست، به بهره‌وری برنمی‌گردد. چراکه بهره‌وری تنها یک شاخص است که نشان‌دهنده سلامت یا بیماری اقتصاد است. آن چیزی که این شاخص را ایجاد می‌کند، کیفیت است. اما در بهره‌وری چه کسی نظریه‌پردازی می‌کند؛ پاسخ این سؤال، اقتصاددان است. در اقتصاد کلان بهره‌وری به‌عنوان یکی از عوامل توسعه دیده شده و برای آن برنامه‌ریزی می‌کنند. در سطح کلان، مهم‌ترین خروجی اقتصاد، تولید ناخالص ملی (یا ارزش‌افزوده ایجادشده در کشور) است که وقتی این شاخص را در عوامل آن تقسیم کنیم، عدد بهره‌وری به دست می‌آید. سرانه تولید ناخالص داخلی کشورها، شاخص بهره‌وری است. این یعنی که هر فرد در کشور چه میزان ارزش‌افزوده ایجاد می‌کند. این بهره‌وری کل اقتصاد است. این بهره‌وری را در بخش‌های مختلف می‌توان به دست آورد. به‌عنوان مثال می‌توان بهره‌وری در صنعت را که یکی از زیربخش‌های اقتصاد است، محاسبه کرد. این روند همین‌طور ادامه داشته و به بخش‌های ریزتر تقسیم می‌شود. مثلا بهره‌وری در سیمان و فولاد تا اینکه به بهره‌وری در سطح بنگاهی همچون ایران خودرو می‌رسیم. بنابراین ما با یک مفهوم در سطح کلان و خرد مواجه هستیم که می‌توان آن را در سطوح مختلف بررسی کرد. برای درک بهتر کافی است اقتصاد ایران را به بیماری

کاهش قیمت آن چندان احساس خطر نکنیم. کل دیوان‌سالاری در ۵۰ سال گذشته کانال توزیع پول نفت بوده است. نگاهی به وضعیت اقتصاد ایران در طول سال‌ها نشان می‌دهد هرگاه پول درآمدهای حاصل از فروش نفت افزایش یافته است، سرعت برنامه‌های توسعه با کاهش چشمگیری مواجه می‌شود. اما کاهش قیمت نفت به کمک اقتصاد ایران آمده است. این کاهش بوده که موجب شده نگاه‌ها به به بخش خصوصی تغییر کند. اگر همین امروز قیمت نفت به شبکه‌ای صد دلار افزایش پیدا کند، دولت خود تصدی امور را به دست خواهد گرفت و میدان‌دار اقتصاد می‌شود و بخش خصوصی به فراموشی سپرده می‌شود. اما درحال حاضر دولت به دلیل کمبود منابع دست یاری خود را به سمت بخش خصوصی دراز کرده است. این مسئله هم ربطی به شخص رئیس‌جمهور و جهت‌گیری دولت ندارد. اگر سکه طلا وجود نداشته باشد، پدر خانواده مجبور است با روابط انسانی اصولی و فرهنگ درست، بجه‌های خانواده را تربیت کند.

کار اما با وجود اینکه درآمدهای نفتی کاهش پیدا کرده، رقم بودجه دولت در سال ۹۵ افزایش یافته و سهم بودجه عمرانی کاهش پیدا کرده است. این ارقام نشان می‌دهد این تغییر نگاه در دولت هنوز ایجاد نشده است؟

نابید فراموش کرد در دولت دهم حدود ۵۰۰ هزار نفر به بدنه دولت افزوده شد و هم‌اکنون دولت یازدهم پنج میلیون نفر فرزند (حقوق‌گیر) مستقیم دارد. از طرفی هم وابستگی به درآمدهای نفتی در سال‌های گذشته و بی‌نیازبودن اقتصاد کشور، منجر به سرپوشی از درآمدهایی همچون مالیات مشر است. اما اکنون وضع فرق کرده است. دولت درصدد دریافت مالیات از کسانی است که در سال‌های گذشته از پرداخت مالیات فرار کرده بودند. این کشور به اندازه کافی از پول نفت آباد شده است. حالا باید این پول نفت صرف آبادانی و توسعه کشور شود.

این پنج میلیون فرزند دولت و بزرگ شده‌اند. باید خود به فکر خود باشند. صنایعی همچون خودروسازی باید درصدد توسعه خود برآیند. خودروسازی ما همچون اتسنا برهیتی است که همچنان بستان بر دهن دارد. در این مسئله تنفرآمیز است. اگر تعرفه خودرو را صفر کنیم، این هیکل با این عظمت به گریه خواهد افتاد. **کار اکنون که چنین وابستگی‌ای ایجاد شده، چگونه می‌توان سهم نفت را در اقتصاد ایران کاهش داد؟**

چین، ایران و هند قدیمی‌ترین تمدن دنیا هستند همین امر از ظرفیت‌های بسیار خدادادی فراوانی که در این سرزمین وجود دارد، خبر می‌دهد. می‌توانم اثبات کنم حقوقی که شما دریافت می‌کنید، ۸۰ درصدش پول نفت است. پول نفت وارد اقتصاد شده و دست‌به‌دست می‌چرخد. همه اقتصاددانان کشور بر این باورند قیمت واقعی دلار حدود ۹ هزار تومان است. وقتی این دلار به قیمت سه هزار تومان خریدوفروش می‌شود، دلایلش پول نفتی است که وارد چرخه اقتصاد شده. سهم من از پول نفت همین لبت‌آب و کوشی هوشمندی است که به یک‌سهم قیمت واقعی خریداری می‌کنم. کجای دنیا همه افرادشان از کودک ۱۰ساله گرفته تا پیرمرد ۸۰ساله آن، کوشی هوشمند در دست دارند. این همان پول نفتی است که این‌گونه میان مردم تقسیم شده است. من فکر می‌کنم باید از پول نفت صرف‌نظر کنیم. این نکته و همه برنامه‌های توسعه‌ای موردتوجه قرار گرفته اما هیچ‌کام عملی نشده است. در شرایط فعلی باید حساب ذخیره ارزی فعال شود و این پول نفت را باید به کسانی داد که این جنبه را از پدر خانواده گرفته که فقط در بخش امور جاری هزینه می‌کنند. برای مثال، نظام یارانه‌ای پرداختی به مردم، این‌گونه است که دولت پول عظیمی را خرد می‌کند و در اختیار مردم قرار می‌دهد. آنگاه این رقم خرد صرف خرید کالاهای

مصرفی ارزان‌قیمتی می‌شود که در بیشتر موارد، تولید داخل هم نیست. کافی است به روستاها سری بزنید تا ببینید پول نفت و یارانه پرداختی به مردم چه شده است؟ یارانه پرداختی دولت در روستاها به‌طور کامل صرف خرید تلویزیون‌های ال‌سی‌دی شده است.

کار برای راه‌شدن از این مشکل چه باید کنیم؟

ابتدا باید تبیلی را کنار بگذاریم. متأسفانه ما نمی‌توانیم هشت ساعت کار مفید انجام دهیم. مشکل بعدی فساد اقتصادی است. ما عادت کرده‌ایم بدون اینکه کار کنیم با استفاده از رانت‌هایی که داشته‌ایم، پول درآوریم. فساد و تبیل دو عامل اصلی توزیع پول نفت در اقتصاد ایران در ۵۰ سال گذشته بوده است؛ به‌اضافه بیماری مزمن تورم.

ریشه بی‌کیفیتی در کشور نظامات درهم‌تنیده کشور است و قوانین و مقررات، نه نبود دانش یا تمایل‌نداشتن. براساس برنامه جامع نظام اداری کشور، سالانه باید ۱۰ تا ۱۵ درصد از بدنه دولت کاسته شود. بنابراین، تا دولت کوچک نشود حرف‌زدن از بهره‌وری نتیجه‌ای نخواهد داشت. در شرایط فعلی باید واگذاری‌های صورت‌گرفته مورد بازنگری قرار گرفته و شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی واقعی باشند، چراکه آفت شرکت‌های خصولتی از شرکت‌های دولتی هم بیشتر است.

کار در شرایط فعلی حمایت از صنایع باید چقدر باشد که ضمن حفظ این صنایع، آنها رقابت‌پذیر شده و کیفیت خدمات و تولید در آنها نیز افزایش یابد؟

صنایعی همچون خودروسازی و شرکت‌هایی مانند ایران خودرو و سایپا از پول نفت کشور ایجاد شده و به مثابه فرزندان این کشور هستند. اینکه حمایت‌ها چگونه باید انجام شود، همان کار سختی است که دولت برعهده دارد. دولت باید بدون اینکه دچار ورشکستگی‌های گسترده شویم، رقابت‌پذیری ایجاد کند. یکی از راه‌حل‌ها این است که قیمت‌ها را نهایی و شوک عظیمی به اقتصاد وارد کنیم.

کار آیا این راه‌حل در اقتصاد ما قابلیت اجرایی‌شدن را دارد؟

نه این راه‌حلی مناسبی برای اقتصاد ما نیست. اقتصاد ما تحمل چنین شوکی را ندارد. رقابت در کشور ما باید با شیب ملایم ایجاد شده و رفته‌رفته به سمت بهبود کیفیت برود. آمدن شرکت‌های خارجی به صورت انبوه و واگذاری تمامی امور به سرمایه‌گذاران خارجی ما را از بین خواهد برد. در پساتحريم باید شرایطی ایجاد شود تا بخش‌های تولید و خدمات کشور از شرکت‌های خارجی نحوه کار، مدیریت و بهبود کیفیت را یاد بگیرند.

کار سؤال دیگری را در اقتصاد مطرح می‌کنم و آن نرخ تورم است. قطعا کاهش نرخ تورم هزینه تولید را کاهش می‌دهد و یکی از مشکلات اقتصاد ایران حل می‌شود. به نظر شما نرخ تورم‌های اعلامی واقعی است؟

بله واقعی است. ولی به نظر من توزیع وزن آن واقعی نیست. به‌عنوان مثال، اینکه مسکن در سید خاوار نقش دارد و چقدر این رقم واقعی است جای فکر دارد. به نظر من اگر به همین استاندارد جای دوری نمی‌رود. اگر هم خطایی وجود داشته باشد، این خطا در همه سال‌ها وجود داشته ولی شیب تورم همین شیب است. تورم، انگیزه کسب و کار را از بین می‌برد. بسیاری از مردم در شرایط فعلی سرمایه‌های خود را به بانک‌ها می‌خوابانند. کدام کسب‌وکار در کشور بدون دریافت مالیات، سود ۲۰درصدی دارد.

تورم است که منجر می‌شود سرمایه‌های موجود در کشور منجر به تولید نشده و در فضای کسب و کار سرمایه‌گذاری نشود. راهکار دولت تدبیر و امید، کنترل تورم و کاهش نرخ سود بانکی بوده است و در این مسیر، انگیزه لازم برای خارج‌کردن نقدینگی مردم و ورود آن به بخش مولد اقتصاد را ایجاد کرد. این روش، راه‌حل درستی است؛ اما آیا مردم ما در اقتصاد آن‌قدر صبور هستند، باید توجه داشت راه‌های درست همیشه سخت است. راه‌هایی که سریع به نتیجه می‌رسند، در اکثر موارد اشتباه است. هیچ روزنامه‌ای یک‌شبه نمی‌تواند تیراژ خود را به دومیلیون نسخه افزایش دهد. اگر هم این امر اتفاق افتاد، بی‌شک پول عظیمی یا یارانه‌ای پشت آن قرار داشته است.

اقتصاد

خبر

رئیس سازمان امور مالیاتی:

شرکت‌های کاغذی فاکتور فروش روبه افزایش است

● ایرنا: رئیس سازمان امور مالیاتی کشور با بیان اینکه تعداد شرکت‌های کاغذی فاکتورفروش هرروز در حال زیادت‌رشدن است، افزود: تا زمانی که موضوع ماده ۱۶۹ مکرر قانون به‌خوبی اجرا نشود، این ضایعه گمakan در سیستم اقتصادی کشور وجود خواهد داشت. به گزارش ایرنا، سیدکامل تقوی‌نژاد در جلسه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی در محل اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران اظهار کرد: سال گذشته یک هزارو ۵۰۰ شرکت کاغذی و فاکتورفروش شناسایی شدند که اسامی آنها در سامانه مالیات بر ارزش‌افزوده این سازمان اعلام شده است. به گفته این مقام مسئول، هفته گذشته یک مورد دیگر از این شرکت‌ها شناسایی شد که سه تریلیون ریال اعتبارسازی کرده بود و ۱۸۰ مهر از آنها کشف شد و قرار وثیقه ۵۰۰ میلیاردیالی برای مسئولان آن صادر شده است. وی با بیان اینکه تعداد این شرکت‌ها هرروز در حال زیادت‌رشدن است، افزود: تا زمانی که موضوع ماده ۱۶۹ مکرر قانون به‌خوبی اجرا نشود، این ضایعه گمakan در سیستم اقتصادی کشور وجود خواهد داشت. به گزارش ایرنا، مطابق ماده ۱۶۹ مکرر، به سازمان امور مالیاتی کشور اجازه داده می‌شود برای اشخاص حقیقی و حقوقی کارت اقتصادی شامل شماره اقتصادی صادر کند. اشخاص حقیقی و حقوقی که حسب اعلام سازمان امور مالیاتی کشور موظف به اخذ کارت اقتصادی می‌شوند مکلفند براساس دستورالعملی که توسط سازمان مزبور تهیه و اعلام می‌شود، برای انجام‌دادن معاملات خود صورت‌حساب صادر و شماره اقتصادی مربوطه را در صورت‌حساب‌ها و فرم‌ها و اوراق مربوطه درج کرده و فهرست معاملات خود را در سامان امور مالیاتی کشور تسلیم کنند. صادرشدن صورت‌حساب یا درج‌شدن شماره اقتصادی خود و طرف معامله حسب مورد با استفاده از شماره اقتصادی خود برای معاملات دیگران با استفاده از شماره اقتصاد ادایم‌کردن دیگران برای معاملات خود مشمول جرمیهای معادل ۱۰ درصد مبلغ موردمعامله‌ای که بدون رعایت ضوابط فوق انجام شده است، خواهد بود. ارائه‌نکردن فهرست معاملات انجام‌شده به سازمان امور مالیاتی کشور طبق دستورالعمل صادره، مشمول جرمیهای معادل یک درصد معاملاتی که فهرست آنها ارائه نشده است، خواهد بود. تقوی‌نژاد ادامه داد: شرکت‌های گفت‌فروش مکان خاصی ندارند و واهی‌بودن معاملاتشان برای سازمان امور مالیاتی محرز است. زیرا کالایی ردوبدل نشده و در سیستم بانکی نیز تراکنشی از آنها ثبت نشده است و هیچ ردی از آنها در معاملات بعدی وجود ندارد.

تازه‌ها از حساب‌کشی ثامن‌الحجج

۵۰۰میلیارد

برای سپرده‌گذاران خاص

● ایسنا: هرچند چندماه‌ای از عیاهوی فروپاشی تعاونی اعتبار ثامن‌الحجج می‌گذرد، اما ابعاد پنهان آن هنوز بین اظهارات مسئولان آشکار می‌شود؛ از آمارسازی و پرداخت‌های کلان به افراد خاص تا تعیین تکلیف ۱،۳میلیونی سپرده‌گذاران تا هفته آینده. به تازگی سخنگوی دستگاه قضا از اینکه آمارهای اعلامی از سوی تعاونی ثامن‌الحجج درباره تعداد سپرده‌گذاران صحیح نبوده است، خبر داده و گفته با بررسی‌های انجام‌شده، آمار متفاوتی به دست آمده است. با اینکه حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی‌اژه‌ای، تعداد دقیقی از آنها را اعلام نکرد، اما به این اشاره کرد پیش‌تر تعاونی تعداد سپرده‌گذاران را حدود ۲،۴ میلیون نفر گزارش کرده بود. همچنین اساتد تازه به‌دست‌آمده از حسابرسی ثامن‌الحجج، از انحرافات در پرداخت تسهیلات کاکتی دارد. به‌طوری‌که حدود ۵۰۰ میلیارد تومان از سرمایه این شده است. بااین‌حال، سخنگوی دستگاه قضا گفته بازپرس این پرونده افرادی که این تسهیلات را دریافت کرده‌اند، شناسایی و آنها را احضار کرده است. این در حالی است که در پرونده ثامن‌الحجج تخلفات گسترده‌ای همچون فقدان صورت‌های مالی، حسابرسی‌شده، نبود سیستم یکپارچه مالی، ضعف در سیستم گزارش‌دهی تعاونی، عدم وحدت رویه در ساختار مالی و حسابداری شعب، وجود مغایرت‌های متعدد در حساب‌ها و گزارش‌های مالی، نبود امکان بازرسی از شعب، نبود ساختار سازمانی مناسب، نبود سیستم داخلی قابل اتکا و نبود امکان تأیید داده‌های دریافتی، دیده می‌شود.

توافق داوطلبانه بانک‌ها بر کاهش سود سپرده

نرخ سود۱۵درصدی از اول تیرماه

● فارس: رئیس‌کانون بانک‌های خصوصی از توافق داوطلبانه بانک‌ها برای کاهش نرخ سود سپرده به ۱۵درصد از اول تیرماه خبر داد. کورش پرویزیان با اشاره به توافق بانک‌ها برای کاهش نرخ سود سپرده‌های از اول تیرماه به ۱۵ درصد، اظهار کرد: برای سپرده‌های کمتر از یک سال، بانک‌ها می‌توانند نرخ سودی کمتر از ۱۵ درصد را تعیین کنند. رئیس‌کانون بانک‌های خصوصی در پاسخ به این سؤال که نرخ سود تسهیلات به چه میزان کاهش می‌یابد، گفت: نرخ سود تسهیلات به با یک فاصله زمانی کوتاه کاهش خواهد یافت.